

فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۳۲-۱

ارزیابی مقایسه‌ای تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی در دو گروه کشور با سطوح متفاوت درآمد سرانه

مهدی قائمی اصل* ، محمد نصر اصفهانی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۷

چکیده

خانواده به عنوان پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌های فکری افراد یک جامعه، می‌تواند جایگاه بسیار مهمی در ایجاد شادی در افراد داشته باشد. در این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های آماری ۱۱ کشور برخوردار از درآمد سرانه بالاتر از ۲۰ هزار دلار و ۲۵ کشور با درآمد سرانه پایین‌تر از ۲۰ هزار دلار، در دوره زمانی ۱۹۸۱-۲۰۱۴، رابطه میان اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای درآمد سرانه، بیکاری، امید به زندگی و نابرابری درآمدی نیز به عنوان متغیر کنترل، وارد الگوی داده‌های ترکیبی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در هر دو گروه کشور، متغیرهای بیکاری و نابرابری درآمدی، تأثیر منفی و معنادار و متغیرهای اهمیت‌دهی به خانواده، امید به زندگی و درآمد، تأثیر مثبت و معناداری بر ادراک شادمانی دارند. همچنین تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی در کشورهای با درآمد سرانه پایین، تفاوت معناداری با تأثیر آن بر ادراک احساس شادمانی در کشورهای با درآمد سرانه بالا ندارد. بنابراین تأثیر مثبت ارزش فرهنگی خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی، وابسته به ارتقاء سطح درآمد سرانه در یک کشور نیست و درآمد سرانه کاتالیزور تأثیر بیشتر اهمیت‌دهی به خانواده بر ادراک احساس شادمانی، محسوب نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: شادی، خانواده، درآمد سرانه، داده‌های ترکیبی

* استادیار اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). m.ghaemi@khu.ac.ir

** مدرس اقتصاد دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. mnasr121@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌ها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و خط مشی زندگی آینده فرد دارد و اخلاق و صحت و سلامت روانی فرد تا حدود بسیاری در گرو آن است. واکنش کودک نسبت به محیط خود نیز تحت تأثیر موازین اجتماعی و فرهنگی گروهی است که در میان آن بزرگ شده است. از آنجا که خانواده خود یک واحد اجتماعی است و ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی از طریق آن به کودک منتقل می‌شود به عنوان یک واسطه از لحاظ تأثیر محیط اجتماعی بر کودک، اهمیت فراوانی دارد. (احمدی و محسنی، ۱۳۷۱: ۵۴).

خانواده اولین و مهمترین نقش را در رشد شخصیت و اجتماعی شدن کودک بر عهده دارد. اولین تماس و ارتباط کودک با محیط از طریق پدر و مادر، خواهران و برادران است و تقلید از رفتارهای آنان شیوه زندگی او را مشخص می‌سازد. چنانچه رفتار اعضای خانواده بر دوستی، محبت، پذیرش و احترام متقابل متکی باشد، کودک احساس امنیت و آرامش می‌کند و بر اثر رشد اجتماعی مطلوب و تقویت اعتماد به نفس قدرت سازگاری بیشتری با محیط بدست می‌آورد و آماده پذیرش مسئولیت‌ها و نقش‌های گوناگون اجتماعی در مراحل بعدی زندگی می‌شود (شفیع آبادی، ۱۳۷۳؛ به نقل از زارعی و حسنی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

از نظر تاریخی مؤثرترین دیدگاه‌ها در مورد خانواده از جانب نظریه‌های روانکاوی، یادگیری اجتماعی و نظریه نقش ارائه شده است. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، بر اصول یادگیری تأکید بسیار دارند و از این دریچه به مفهوم خانواده می‌نگرند. در این نظریه والدین با به کارگیری تشویق و تنبیه و با نمونه قرار دادن خود در رفتارها، به رفتار فرزندان‌شان شکل می‌دهند. (نلسون و ایزرائل، ۱۳۷۵: ۱۸). ماکوبی و مارتین^۱ (۱۹۸۳) در پژوهشی نشان دادند که والدین پذیرا، رفتار کودکان را کنترل

می‌کنند. والدین غیرپذیرا به کودکان اجازه می‌دهند تا آنچه را که می‌خواهند انجام دهند. والدین پذیرا متمایل هستند تا کودکان را بپذیرند و نیازهای آنان را برآورده سازند. والدین بی‌تفاوت کودکانشان را طرد کرده و ابتدا خواسته‌های خود را در نظر می‌گیرند (Maccoby and Martin, 1983; Shaffer, 1996).

یک نکته مهم و مشترک در میان مطالعاتی که با محوریت خانواده انجام شده است وجود دارد و آن نکته تأثیر بسزای نهاد خانواده بر رضایت از زندگی و آفرینش شادمانی در زندگی انسانی است. ونهون^۱ (۱۹۹۱) معتقد است که شادمانی به معنای ادراک جامعی است که هر فرد در طول زندگی خود از مولفه‌های شناختی و تاثیرگذار اطراف خود بدان دست می‌یابد. این ادراک جامع از سطوح فردی آغاز می‌شود و تا سطوح والای اجتماعی امتداد می‌یابد. در حقیقت آنچه که شادمانی را به عنوان یک مفهوم پیچیده و چندبعدی در زندگی انسان متبلور می‌سازد، شامل عواملی مهم در سطوح خرد و کلان است که خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر در میان این عوامل به شمار می‌رود.

خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در جوامع انسانی، نقشی بی‌بدیل در تعیین سطوح رضایت و شادمانی در زندگی دارد. خانواده با محوریت والدین شکل می‌گیرد و در چارچوب یک قانون عرفی اجتماعی، ضمانتی جدی برای تأمین سلامت جسمی، احساسی و روانی اعضا را فراهم می‌آورد (Esping-Andersen, 1999: 6). خانواده در اشکال گوناگون قانونی و عرفی آن در کشورهای مختلف به رسمیت شناخته می‌شود و حمایت جدی دولت‌ها در زمینه‌های تأمین اجتماعی، آموزش و بهداشت را به ویژه در سال‌های اولیه تولد فرزندان به همراه خواهد داشت. بنابراین خانواده به عنوان یک نهاد مهم برای برخورداری از چتر حمایتی

دولت و منافع اجتماعی است که طبعاً سطوح بالاتری از رضایت خاطر در زندگی انسانی را فراهم می‌آورد (Mårtinson, 2007; Soons and Kalmijn, 2009).

مطالعات متعددی نشان می‌دهند که خانواده، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سطح شادمانی دارد که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های استاک و اشلمن^۱ (۱۹۹۸)، ویت و گالاگر^۲ (۲۰۰۰)، اسکینرز و همکاران^۳ (۲۰۰۲)، نوماگوچی و همکاران^۴ (۲۰۰۵)، سایمون^۵ (۲۰۰۸)، آمبرسون و همکاران^۶ (۲۰۱۰) و لی و اونو^۷ (۲۰۱۲) اشاره کرد. در این مطالعات عواملی از قبیل همبستگی عاطفی میان اعضای خانواده، حمایت‌های مالی و بهداشتی دولت‌ها و نهادهای اجتماعی از اعضای خانواده، برخورداری از فرزندان و ارتباط احساسی با فرزند، جوشش خانوادگی و زایش رفتارهای توسعه محور در تعامل تربیتی با فرزندان و بهره‌مندی از سطح بالاتر طبقه اجتماعی به عنوان ریشه‌های تاثیرگذاری مثبت خانواده بر سطوح بالاتر شادمانی برشمرده شده‌اند.

بر اساس آنچه گفته شد، در این پژوهش با استفاده از داده‌های دو گروه از کشورهای برخوردار از دو سطح متفاوت از درآمد سرانه، تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور در ادامه پس از بررسی پیشینه پژوهش، چارچوب نظری پژوهش ارائه شده است و سپس با تبیین متغیرهای مورد استفاده در رگرسیون داده‌های ترکیبی، تصریح پژوهش برآورد شده است. در نهایت نیز نتایج پژوهش، ارزیابی و استحکام‌سنجی نتایج برآورد ضرایب، بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

-
1. Stack and Eshleman
 2. Waite and Gallagher
 3. Skinner et al.
 4. Nomaguchi et al.
 5. Simon
 6. Umberson et al.
 7. Lee and Ono

پیشینه پژوهش

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) به منظور بررسی نظری انواع سرمایه‌ها و نقش آنها در تبیین شادکامی دانشجویان، با استفاده از یک الگوی پیمایشی، از بین تمام دانشجویان دانشگاه تبریز (۲۴ هزار نفر) در تمام مقاطع تحصیلی (۱۳۹۰-۱۳۸۹)، ۳۷۸ نفر (با فرمول کوکران) را به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب نموده‌اند. جهت سنجش شادی دانشجویان از پرسشنامه ۲۹ سوالی آکسفورد استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که میانگین شادکامی دانشجویان دانشگاه تبریز در سطح متوسط به بالا قرار دارد و بین ابعاد سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی با شادکامی دانشجویان همبستگی معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. به علاوه براساس نتایج رگرسیون، متغیرهای مستقل وارد شده به مدل رگرسیونی (سرمایه اقتصادی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه فرهنگی) ۳۹ درصد از واریانس متغیر شادکامی دانشجویان را تبیین نموده‌اند.

مهدی‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) ضمن استفاده از نظریات اندیشمندانی از قبیل گیدنز، چلبی، آرگایل، هادلر و کولمن، با استفاده از روش پیمایش به مطالعه جامعه شناختی وضعیت شادمانی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در میان جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران پرداخته‌اند. با توجه به حجم جامعه آماری مورد نظر به میزان ۲۳۷۱۳۴۲ نفر، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر مشخص شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین احساسات خوشایند، گرایش‌های مثبت اجتماعی و ارزیابی از زندگی در بین جوانان مورد تحقیق بالاتر از حد متوسط است. در نتیجه، میزان شادی در بین پاسخگویان کمی بالاتر از حد متوسط است. همچنین، یافته‌های پژوهش گویای این واقعیت است که اگر چه میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد بررسی کمی بالاتر از حد متوسط است، ولی کمیت روابط اجتماعی دارای میانگینی پایین‌تر از حد متوسط است؛ این در حالی است که میانگین کیفیت روابط اجتماعی معادل ۵۹/۴۱ است.

حاجی‌زاده میمندی و ترکان (۱۳۹۴) به بررسی میزان و عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با نشاط اجتماعی در دانشجویان دانشگاه یزد پرداخته‌اند. این ارزیابی با بهره‌گیری از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه و با تعداد ۲۷۷ نفر از دانشجویان دانشگاه یزد که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، از هفت دانشکده انتخاب شده‌اند، انجام شده است. نتایج نشان داد که میانگین نمره نشاط اجتماعی دانشجویان مورد بررسی $13/71 \pm 42/46$ بود که با میانگین شادکامی کشورهای در حال توسعه تفاوت معناداری ندارد و بین میزان نشاط دانشجویان با متغیرهای زمینه‌ای سن، جنس، وضعیت تأهل، محل سکونت و مقطع تحصیلی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. همچنین نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که در مجموع، به ترتیب سه متغیر عزت نفس، امید به آینده و دینداری توانسته‌اند $44/8$ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند.

جعفری (۱۳۹۵) عوامل مؤثر بر میزان شادمانی در ۳۰ کشور اسلامی منتخب، طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۷ را مورد ارزیابی قرار داده است. به این منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری، امید به زندگی و شاخص‌های محدودیت‌های مذهبی و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در کشورهای مورد مطالعه با افزایش درآمد سرانه، شادی نیز افزایش می‌یابد؛ بیکاری و تورم اثر کاهنده بر شادی دارند و شدت اثرگذاری منفی نرخ بیکاری بر سطح شادمانی، نسبت به نرخ تورم بیشتر است. همچنین افزایش محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی به عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی، با شادی کم‌تری همراه شده است و امید به زندگی با اثرگذاری مثبت، بیشترین تأثیر را بر میزان شادمانی داشته است.

شریفی دروازه و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی عوامل مؤثر بر کلاس شاد با تبیین شادی در دیدگاه اسلام و روان‌شناسی پرداخته‌اند. این مقاله با گردآوری اطلاعات از روش «توصیفی - تحلیلی» از منابع کتابخانه‌ای و مقالات به بررسی نقش سه عامل

ارزیابی مقایسه‌ای تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده ... ۷

«معلم و سبک‌های تدریس او»، «محتوای برنامه درسی» و «سبک یادگیری دانش آموز» به عنوان عوامل مؤثر بر ایجاد کلاس شاد پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از سبک‌های تدریس دوجانبه و یا سبک تعاملات منعطف، که در دسته سبک‌های غیرمستقیم قرار می‌گیرد، می‌تواند فضای پذیرش و آزادی ایجاد کند که منجر به افزایش سطح خلاقیت و نگرش مثبت به دیگران در دانش آموزان شود.

دهقان و همکاران (۱۳۹۶) به تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی اجتماعی جوانان شهر تهران پرداخته‌اند. این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شادمانی جوانان شهر تهران از یک نمونه آماری شامل ۳۸۰ نفر از جوانان شهر تهران استفاده نموده است که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. فرضیه‌های پژوهش به روش ضریب همبستگی پیرسون مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین امید به آینده، احساس امنیت اجتماعی، احساس مقبولیت اجتماعی، احساس اعتماد اجتماعی، عدالت توزیعی، فعالیت‌های گروهی، رضایت از زندگی، هدفمندی و شادمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این متغیرها ۶۹ درصد تغییرات واریانس شادمانی را تبیین می‌کنند و همچنین متغیر احساس مقبولیت اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۸۴ بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته شادمانی دارد.

کارگر و همکاران (۱۳۹۶) به تبیین جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و شادمانی اجتماعی در میان دانش آموزان دبیرستانی شهر جهرم پرداخته‌اند. با بهره‌گیری از الگوی پیمایش و انتخاب ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه (با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای) پرسشنامه‌ای مشتمل بر چهار مقیاس شادمانی، سبک زندگی ورزشی، مصرف‌گرایی و مدیریت بدن تکمیل شده است که جهت اعتبار مقیاس متغیر وابسته (شادمانی) و متغیرهای مستقل (مصرف‌گرایی و سبک ورزشی) از روش اعتبار سازه به کمک تکنیک تحلیل عاملی و جهت اعتبار مدیریت بدن از اعتبار محتوا استفاده شده است. نتایج توصیفی نشان می‌دهد که میانگین نمره شادمانی دانش آموزان در سطح

متوسط رو به بالا است. نتایج تحلیلی پژوهش نشان می‌دهند که در بین سازه‌های تحقیق، ابعاد سبک زندگی مصرف‌گرا (شناختی، احساسی، تمایل به عمل) بر شادمانی اجتماعی و شناختی، سبک زندگی ورزشی (کل) بر شادمانی (کل)، سبک ورزشی (بعد سلامت) بر ابعاد شادمانی، مدیریت بدن بر بعد اجتماعی شادمانی تأثیر دارند.

لوئیس و ژائو^۱ (۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های پیمایش اجتماعی عمومی (GSS)^۲ در دوره ۱۹۸۹-۱۹۹۴، تأثیر ساختار خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده بر رضایتمندی و ادراک احساس شادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. به منظور کنترل تأثیر سایر عوامل از متغیرهای سطح آموزش، نژاد، جنسیت و سن استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو متغیر ساختار خانواده و وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، تأثیر مثبت و معناداری بر رضایتمندی و ادراک احساس شادی افراد در زندگی دارند. اما با اضافه شدن مجموعه متغیرهای مربوط به سنین بزرگسالی، هیچ‌یک از این دو متغیر از معناداری لازم برخوردار نخواهند بود. بر همین اساس لازم است نگرش‌های روان‌شناسانه افراد به زندگی در سنین مختلف را به عنوان یک متغیر مهم مداخله‌گر در خصوص تاثیرگذاری خانواده و چارچوب‌های خانوادگی بر سطح شادی در نظر گرفت.

کوهرلر و همکاران^۳ (۲۰۰۵) به بررسی چارچوب نظری تاثیرگذاری ازدواج و تولد فرزند بر سطح شادی پرداخته‌اند. بر اساس این نگرش، با بهره‌گیری از تئوری‌های انتخاب عقلایی و انتخاب اقتصادی می‌توان نشان داد که پیوستن افراد به نهاد متحد خانواده و داشتن فرزندان می‌تواند تأثیر مثبت و معناداری بر شادی افراد داشته باشد. در این مطالعه برای ارزیابی فرضیه پژوهش و کنترل سایر متغیرهای مؤثر، از نمونه‌ای از افراد شامل دوقلوهای در سنین ۲۵-۴۵ سال و سنین ۵۰-۷۰ سال استفاده شده است.

-
1. Louis and Zhao
 2. General Social Survey
 3. Kohler et al.

نتایج نشان می‌دهد که تشکیل خانواده تأثیر مثبت بسیار زیادی بر شادی در اعضای نمونه داشته است. همچنین تولد اولین فرزند نیز تأثیر مثبت و معناداری بیشتری بر سطح شادی مادر خانواده نسبت به پدر خانواده داشته است.

بلانچفلور و همکاران^۱ (۲۰۱۴) به مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی در کشورهای اروپایی در دوره ۱۹۷۵-۲۰۱۳ پرداخته‌اند. در این مطالعه میزان شادی ۱/۲ میلیون نفر اروپایی به صورت تابعی از متغیرهای فردی نظیر: سن، تأهل، جنسیت و سطح آموزش در نظر گرفته شده و در کنار متغیرهای فردی، اثر دو متغیر کلان بیکاری و تورم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور کنترل اثرات فردی کشورها نیز از الگوی اثرات ثابت دوطرفه مقطعی و زمانی استفاده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر تأثیر منفی بیکاری و تورم بر رفاه شده افراد بوده و اثر مخرب بیکاری بر رفاه، بیشتر از تورم برآورد می‌شود؛ به نحوی که تأثیر منفی یک درصدی افزایش نرخ بیکاری بر رفاه، ۵ برابر بیشتر از تأثیر منفی یک درصد افزایش در تورم بر رفاه است.

سیکسزنتماهالی و راتاند^۲ (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر برخورداری از خانواده در دوره نوجوانی پرداخته‌اند و با استفاده از تئوری تجربه‌های بهینه که شامل متغیرهای میزان بهره‌مندی، جریان مطلوبیت، میزان انگیزه‌بخشی و نقطه اوج بهره‌مندی می‌شوند، نشان داده‌اند که بیشتر تاثیرگذاری مثبت خانواده بر رشد احساسی و روحی فرزندان در دوره نوجوانی به وقوع می‌پیوندد؛ به نحوی که پتانسیل کامل بهره‌برداری از چارچوب‌های آموزشی و پرورشی خانواده و تقویت روحیه تصمیم‌سازی و خلاقیت در این دوره از زندگی خانواده قابل مشاهده است.

1. Blanchflower et.al.

2. Csikszentmihalyi and Rathunde

راکس^۱ (۲۰۱۷) با هدف بررسی نقش نژاد و رنگ پوست در سطح شادمانی خانواده‌ها در فرانسه، به بررسی تأثیر نژادپرستی سازمانی، دولتی و عرفی بر نوع تعامل افراد در جامعه فرانسه پرداخته است. به عقیده راکس، نمی‌توان واقعیت تلخ نژادپرستی و تأثیر مخرب آن بر انسجام اجتماعی را انکار کرد ولی مددکاران اجتماعی و مشاوران امور خانواده، می‌توانند تأثیر بسزایی در جلوگیری از ترویج و تشدید فرهنگ نژادپرستی داشته باشند. در این مقاله چارچوبی پویا برای مقابله با فرهنگ تبعیض رنگ در تعاملات میان کودکان و خانواده‌های فرانسوی پیشنهاد شده است که بر اساس آن از طریق یک چارچوب نهادی می‌توان در میان مدت تأثیر سازنده قابل توجهی بر تأکید کورکورانه خانواده‌ها بر تبعیض نژادی ایجاد نمود.

ولا و همکاران^۲ (۲۰۱۸) با بهره‌گیری از یک نمونه ۱۲۷ نفری از دانشجویان کالج آمریکایی مکزیک به بررسی رابطه متقابل ادراک دانشجویان از مفاهیم معناداری زندگی، خودمؤثر بینی، امید، اهمیت خانواده و شادی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که معناداری زندگی و اهمیت خانواده، به طور معناداری از قابلیت تبیین و پیش‌بینی شادی برخوردارند. همچنین متغیرهای خودمؤثر بینی و امید رابطه هم‌بستگی معنی‌داری با اهمیت‌دهی به خانواده دارند. بر این اساس می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که خانواده و شکل‌گیری روابط درون خانواده‌ای، می‌تواند تأثیر بسزایی بر سلامت روحی و روانی دانشجویان داشته باشد.

آکیدا^۳ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر نوع روابط خانوادگی و فامیلی رسمی و غیررسمی با سطح شادی پرداخته است. در این مطالعه از داده‌های سال ۲۰۰۷ مربوط به برنامه پیمایش اجتماعی بین‌المللی^۴ (ISSP) برای بررسی فرضیه‌ها استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در کشورهایی که نهاد خانواده در آن‌ها از جایگاه، اهمیت و

1. Roux

2. Vela et.al.

3. Akaeda

4. International Social Survey Programme

رسمیت کمتری برخوردار است، سطوح پایین‌تری از شادی توسط افراد جامعه به ویژه زنان ادراک می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کاهش اهمیت خانواده در یک جامعه منجر به تغییر مفهوم و رنگ باختن اهمیت روابط خانوادگی به عنوان یک متغیر تصمیم مهم برای افزایش رضایتمندی و نیز ایجاد اختلال در چارچوب روابط افراد با اعضای فامیل می‌شود.

با بررسی ادبیات پژوهش مشخص می‌شود که دیدگاه متقن و مشخصی در خصوص تاثیرگذاری اهمیت‌دهی به خانواده و سایر نهادهای اجتماعی بر ادراک احساس شادمانی و سطح رضایت عمومی از زندگی وجود ندارد. به ویژه این‌که نقش کاتالیزوری متغیر مداخله‌گری مثل سطوح متفاوت درآمد سرانه در کشورهای مختلف نیز در این مطالعه مورد تأکید و ارزیابی قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، قلمدادهای جاری از تأثیر نهاد خانواده بر رضایت و رفاه اجتماعی، نمی‌تواند ارزیابی دقیقی از جایگاه این نهاد ارزشمند در بهبود و ارتقاء سطح رضایت و رفاه اجتماعی ارائه نماید.

چارچوب نظری پژوهش

نیاز به شادمانی و ابراز شادی به عنوان یکی از نیازهای بشر، بیشتر با مفاهیمی مثل لذت بردن، رضایتمندی از زندگی و نداشتن احساس منفی نظیر استرس، افسردگی و ... تعریف می‌شود. شادی کردن ریشه در فرهنگ و تاریخ یک ملت و جامعه دارد و برای بررسی آن باید به ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و ... یک ملت توجه کرد. موضوع شادمانی در زندگی از دیرباز مورد توجه نوع بشر بوده و انسان همواره به دنبال این است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند، چه چیزی بیشتر موجبات رضایتش را فراهم می‌سازد و با چه ساز و کارهایی می‌تواند از زندگی در این دنیا لذت ببرد. شادی و مسرت، احساس درونی انسان است. نیازی است که هر انسانی در زندگی خود ضرورت آن را احساس می‌کند، همان‌گونه که نیاز به غذا و استراحت لازمه

زندگی است، نیاز به خوشحالی لازمه هر زندگی سالم و کامیاب می‌باشد. وقتی شخص از نظر هیجانی تحریک می‌شود، تجربه‌های خوشی به او دست می‌دهد و نشاط پیدا می‌کند (نصوحی دهنوی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۴).

اما احساس شادی، نشاط، شادمانی یا شادکامی، چیستی شادی، چگونگی تأمین و مواد سازنده آن از مواردی هستند که برای سالیان متمادی اذهان محققان را به خود مشغول داشته‌اند. این مسئله فیلسوفانی چون ارسطو، افلاطون، مکاتب تجربه‌گرایی، مدافعان فایده‌گرایی و به طور کلی همه نویسندگانی که به تاریخ فلسفه پرداخته‌اند، را به تحقیق در باب ماهیت شادی و شادکامی و راهبردهای نیل به آن مشغول کرده است (Galati et al, 2006: 603). تأثیرپذیری این مقوله از ساختارهای متعدد جامعه و تأثیرگذاری آن بر فرایند توسعه و تعالی جامعه، سبب شد که در نیمه قرن بیستم، احساس شادی و نشاط به مثابه یکی از موضوعات مورد بررسی روانشناسان، برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شود (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). از سال ۲۰۰۰ به بعد نیز در رویکرد سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل در تعیین سطح توسعه یافتگی کشورهای جهان تغییراتی صورت گرفته و متغیرهایی همچون شادکامی اجتماعی، امید به آینده، خوشنودی و رضایتمندی اجتماعی به عنوان شاخص‌های کلیدی وارد محاسبات شده‌اند (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۹).

اما مبنای نظری این مطالعات را باید سال‌های قبل و در قرن نوزدهم جستجو نمود؛ جایی که پس از جدایی روان‌شناسی و فلسفه، رویکرد لذت‌گرایی در آثار روان‌شناسانه به روشنی مشهود بود. ویترسو^۱ (۲۰۰۹) در این زمینه به افرادی همچون جیمز^۲، ثرندایک^۳ و وونت^۴، اشاره می‌کند. در نیمه اول قرن بیستم، پژوهشگرانی

-
1. Vitterso
 2. James
 3. Thorndik
 4. Wondt

همچون یانگ^۱ و بیبه-سنتر^۲ درباره نقش حیاتی لذت‌ها به بحث پرداخته‌اند که هر دو در جهت ایجاد یک پایه علمی برای لذت‌گرایی تلاش نموده‌اند. اما گریفین^۳ (۱۹۸۶)، نظریه خواسته^۴ را ارائه کرد که مطابق این نظریه، شادمانی عبارت است از: بدست آوردن آنچه که می‌خواهید، بدون توجه به این‌که آن خواسته شامل لذت باشد یا خیر. همچنین نوسبام^۵ (۱۹۹۲)، «نظریه فهرست اهداف» را ارائه کرد که شادکامی بر اساس آن، دستیابی به تعدادی از اهداف حقیقتاً ارزشمند زندگی، شامل شغل، دوستی، آموزش، معرفت، آسایش و رفاه مادی و سلامت (پسندیده، ۱۳۹۲: ۱۴).

ویسینگ^۶ (۱۹۸۸) و ون‌دان^۷ (۱۹۹۴)، یک چارچوب بهزیستی-روان‌شناختی کلی را معرفی کردند که به وسیله احساس انسجام و پیوستگی در زندگی، تعادل عاطفی و رضایت کلی را معرفی کردند که به وسیله احساس انسجام و پیوستگی در زندگی، تعادل عاطفی و رضایت کلی از زندگی، مشخص و اندازه‌گیری می‌شود. در این چارچوب، تأکید ویژه‌ای وجود دارد که بهزیستی روانی، سازه‌ای چهاربعدی است که شامل عاطفه، شناخت، رفتار و روابط بین فردی می‌شود (کزازی، ۱۳۸۶: ۸). آرگایل^۸ (۲۰۰۱) و داینر و همکاران^۹ (۲۰۰۱)، با ارائه نظریه بهزیستی روانی، سه مؤلفه برای شادکامی معرفی می‌کنند که شامل هیجان‌های لذت‌بخش، رضایت از زندگی و فقدان عواطف منفی است (آرگایل، ۱۳۸۲: ۱۴). کار^{۱۰} (۲۰۰۴) با حذف مؤلفه سوم، تجربه‌های هیجانی و رضامندی را به عنوان مولفه‌های شادکامی معرفی کرد (کار، ۱۳۸۵: ۴۲).

-
1. Young
 2. Beebe-Center
 3. Griffin
 4. Desire theory
 5. Nosbaum
 6. Wising
 7. Van Eeden
 8. Argyle
 9. Diener et.al.
 10. Carr

سیلگمن^۱ (۲۰۰۴)، الگویی از چهار نوع زندگی نیک را مطرح می‌کند که همچون نظریه ارسطو، بر یک نظام سلسله مراتبی و از ساده به پیچیده تدوین یافته‌اند. بر این مبنا ساده‌ترین نوع زندگی از انواع چهارگانه زندگی خوب (نیک) «زندگی لذت‌بخش^۲» نامیده می‌شود. پس از آن، «زندگی درگیرانه^۳» (یا اشتیاق به زندگی) قرار دارد و سومین نوع زندگی خوب، «زندگی با معنا^۴» است. چهارمین نوع زندگی که در حقیقت، پیچیده‌ترین شکل زندگی نیک است، «زندگی کامل» است. دقیق‌ترین نظریه در بین نظریه‌های جدید درباره شادکامی، نظریه «شادکامی پایدار» است که بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۹ در پژوهش‌های مختلفی توسط لوبومیرسکی^۵ ارائه شده است. در الگوی شادکامی پایدار لوبومیرسکی، عوامل تعیین‌کننده سطح شادکامی یا عوامل علی مؤثر بر شادکامی افراد، به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از: عوامل وضعی یا تثبیت‌شده، عوامل مرتبط با شرایط زندگی و عوامل مرتبط با فعالیت‌های ارادی (براتی، ۱۳۸۸: ۳۴).

در یک ارزیابی نظری، آنچه می‌توان در خصوص چارچوب شکل‌گیری مفاهیم رضایت از زندگی و رفاه بدان اشاره کرد این است که نگرش مکانیکی و خطی به رفاه، منجر به تلقی صرفاً فردمحور از عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی خواهد شد که بر اساس آن، دسترسی صرف به درآمد کافی و امکانات رفاهی مناسب، منجر به ارتقاء سطح رضایت از زندگی خواهد شد. این در حالی است که انسان دارای هویتی اجتماعی است و رفاه و توسعه انسانی نیز صرفاً در چارچوب رفاه اجتماعی قابل تبیین است. در این میان خانواده به عنوان کوچکترین و بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، نقشی بی‌بدیل در ایجاد رضایت از زندگی ایفا می‌نماید. نادیده انگاشتن نقش خانواده به عنوان

-
1. Seligman
 2. Pleasant life
 3. Engagement life
 4. Meaningful life
 5. Luybomirsky

یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، منجر به تحلیل غلط تأثیر و جایگاه متغیرهای اقتصادی در ایجاد رفاه و رضایت اجتماعی خواهد شد.

روش تحقیق

در این پژوهش در ابتدا با بهره‌گیری از داده‌های ترکیبی دو گروه از کشورهای مورد مطالعه، الگوهای رگرسیونی مجزایی برای هر گروه کشور، برآورد می‌شود و سپس به منظور مقایسه تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی در دو گروه از کشورهای با درآمد سرانه پایین و بالا، با استفاده از الگوی پاترونستر و همکاران^۱ (۱۹۹۸)، ضرایب تاثیرگذاری اهمیت‌دهی به خانواده در دو گروه، مقایسه می‌شود تا مشخص گردد تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی در کشورهای با درآمد سرانه پایین، تفاوت معناداری با تأثیر آن بر ادراک احساس شادمانی در کشورهای با درآمد سرانه بالا دارد یا خیر. به منظور بررسی عوامل مؤثر بر ادراک احساس شادمانی (با تأکید بر اهمیت‌دهی به خانواده)، به پیروی از الگوی سناسو و سینگاپکدی^۲ (۲۰۱۸) از سه گروه شاخص مرتبط با کیفیت خانوادگی و کیفیت زندگی اجتماعی، کیفیت شغلی استفاده شده است. پژوهش‌های مشابه دیگری نیز توسط ایرن و آسیچی^۳ (۲۰۱۷) و چنگ و همکاران^۴ (۲۰۱۷) در این خصوص انجام شده است.

بر این اساس از درآمد سرانه و نرخ بیکاری به عنوان شاخص‌های کیفیت شغلی، از شاخص‌های امید به زندگی و نابرابری درآمدی به عنوان کیفیت زندگی اجتماعی و از شاخص میزان اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی به عنوان شاخص کیفیت خانوادگی استفاده شده است. همچنین از الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی برای دوره ۱۹۸۱-۲۰۱۴ و برای ۳۶ کشور (در دو گروه) برای ارزیابی تأثیر متغیرها استفاده شده است. در

-
1. Paternoster
 2. Senasu, K., & Singhapakdi, A.
 3. Eren, K. A., & Aşıcı, A. A.
 4. Cheng et al.

گروه اول کشورهای آرژانتین، ارمنستان، اکوادور، اندونزی، اروگوئه، اوکراین، ایران، برزیل، بلغارستان، بنگلادش، پاکستان، پرو، تانزانیا، تایلد، دومینکن، شیلی، قزاقستان، کامبوج، گرجستان، گواتمالا، مکزیک، مراکش، مصر، ونزوئلا و ویتنام، به عنوان ۲۵ کشور با درآمد سرانه کمتر از ۲۰ هزار دلار بر مبنای ارزش ثابت سال ۲۰۱۱ و شاخص برابری قدرت خرید^۱ قرار می‌گیرند و در گروه دوم، کشورهای ایالات متحده، آفریقای جنوبی، آلمان، روسیه، ژاپن، سوئد، قطر، کره جنوبی، لهستان، نیوزلند و هلند، به عنوان ۱۱ کشور با درآمد سرانه بالاتر از ۲۰ هزار دلار (بر مبنای ارزش ثابت سال ۲۰۱۱ و شاخص برابری قدرت خرید) قرار دارند.

متغیرهای درآمد سرانه (*inc*)، بیکاری (*unm*)، امید به زندگی (*exp*) و نابرابری درآمدی (*gin*)، با استفاده از پایگاه داده‌های بانکی جهانی به ترتیب با استفاده از شاخص‌های درآمد سرانه بر اساس برابری قدرت خرید به قیمت‌های ثابت دلار در سال ۲۰۱۱، نرخ بیکاری کل^۲، امید به زندگی به هنگام تولد^۳، ضریب جینی^۴ وارد رگرسیون شده است. در خصوص شاخص بیکاری در برخی از سال‌ها و کشورها به منظور در اختیار داشتن مجموعه داده‌های کامل از برآوردهای انجام شده در مدل‌های سازمان بین‌المللی کار^۵ که مورد تأیید بانک جهانی نیز بوده و در پایگاه داده‌های این سازمان نیز قرار دارد، استفاده شده است. برای جبران برخی از داده‌های مفقود در ضریب جینی نیز از مجموعه داده‌های گردآوری شده توسط میلانوویچ^۶ (۲۰۱۶) استفاده شده است که این داده‌های آماری نیز مورد تأیید بانک جهانی بوده و علاوه بر

۱- این معیار طبقه‌بندی کشورها از منبع بلانچفلور (۲۰۰۷) استخراج شده است. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.:

Blanchflower, D. G. (2007). International patterns of union membership. *British Journal of Industrial Relations*, 45(1), 1-28.

2. Total Unemployment Rate
3. Life expectancy at birth
4. Gini coefficient
5. modeled ILO estimate
6. Branko Milanovic

سایت دانشگاه نیویورک، از طریق پایگاه داده‌های بانکی جهانی نیز قابل دسترسی است.^۱ داده‌های مربوط به ادراک احساس شادمانی (*hap*) و میزان اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی (*fam*) نیز از بانک گزارش‌های پیمایش ارزش‌های جهانی^۲ (*WVS*) استخراج شده است. بنابراین تصریح الگوی رگرسیونی پژوهش بدین صورت خواهد بود و داده‌ها به صورت لگاریتمی وارد رگرسیون خواهند شد:

$$hap_{it} = \beta_0 + \beta_1 fam_{it} + \beta_2 inc_{it} + \beta_3 unem_{it} + \beta_4 exp_{it} + \beta_5 gin_{it} + \mu_i + \lambda_t + \varepsilon_{it}$$

یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون ریشه واحد

نتایج آزمون ریشه واحد با استفاده از دو روش برایتانگ^۳ (۲۰۰۱) و ایم، پسران و شین (IPS)^۴ (۲۰۰۳) استفاده شده است. استفاده از این دو روش از آن جهت ضرورت دارد که در روش برایتانگ، لزومی به برقراری فرض عدم وابستگی مقطعی وجود ندارد ولی در روش IPS، الزاماً باید فرض عدم وابستگی مقطعی رد نشود تا بتوان نتایج آزمون ریشه واحد را معتبر دانست. نتایج آزمون ریشه واحد که در جدول ۱ و جدول ۲ ارائه شده‌اند نشان می‌دهند که در تمام متغیرهای پژوهش در هر گروه کشور با درآمد سرانه پایین و بالا، در سطح معناداری ۵ درصد، فرضیه صفر نامانایی رد می‌شود.

۱- ایده استفاده از مجموعه داده‌های میلانویچ (۲۰۱۶) از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محمدباقر فکور (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی اثر نابرابری درآمدی بر رفاه ذهنی کشورهای در حال توسعه» بدست آمده است. بدین وسیله نویسندگان مقاله ضمن استناد به ابتکار آماری این پژوهشگر، از ایشان بابت مطرح کردن این ایده، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

2. World Values Survey (WVS)
3. Breitung
4. Im, Pesaran and Shin

جدول ۱- نتایج آزمون‌های ریشه واحد برای گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

متغیر	آماره آزمون <i>Breitung</i>	آماره آزمون <i>IPS</i>
امید به زندگی	-۳,۱۰۴۸۳ (۰,۰۰۱۰)	-۴,۷۳۰۵۰ (۰,۰۰۰۰)
نابرابری درآمدی	-۱,۸۶۰۱۴ (۰,۰۳۱۴)	-۵,۴۸۲۱۹ (۰,۰۰۰۰)
خانواده	-۲,۳۰۲۲۳ (۰,۰۱۰۷)	-۱,۹۶۷۶۹ (۰,۰۲۴۶)
ادراک احساس شادمانی	-۲,۸۶۷۸۰ (۰,۰۰۲۱)	-۸,۵۰۰۷۴ (۰,۰۰۰۰)
بیکاری	-۲,۳۰۱۶۷ (۰,۰۱۰۷)	-۵,۸۶۷۵۸ (۰,۰۰۰۰)
درآمد سرانه	-۱,۸۶۸۶۵ (۰,۰۳۰۸)	-۵,۷۲۴۷۲ (۰,۰۰۰۰)

منبع: محاسبات پژوهش (مقادیر داخل () نشان‌دهنده ارزش احتمال آزمون هستند)

جدول ۲- نتایج آزمون‌های ریشه واحد برای گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا

متغیر	آماره آزمون <i>Breitung</i>	آماره آزمون <i>IPS</i>
امید به زندگی	-۳,۷۵۱۵۱ (۰,۰۰۰۱)	-۳,۰۴۹۹۰ (۰,۰۰۱۱)
نابرابری درآمدی	-۳,۲۳۴۹۷ (۰,۰۰۰۶)	-۵,۶۵۱۷۸ (۰,۰۰۰۰)
خانواده	-۳,۷۳۳۷۳ (۰,۰۰۰۱)	-۵,۲۶۱۲۴ (۰,۰۰۰۰)
ادراک احساس شادمانی	-۱,۶۹۶۱۸ (۰,۰۴۴۹)	-۸,۷۶۳۲۱ (۰,۰۰۰۰)
بیکاری	-۳,۳۱۹۵۷ (۰,۰۰۰۵)	-۴,۴۹۸۶۲ (۰,۰۰۰۰)
درآمد سرانه	-۳,۷۵۶۸۱ (۰,۰۰۰۱)	-۳,۰۴۸۸۶ (۰,۰۰۱۱)

منبع: محاسبات پژوهش (مقادیر داخل () نشان‌دهنده ارزش احتمال آزمون هستند)

آزمون اثرات ثابت

نتایج آزمون زائد بودن اثرات ثابت نشان می‌دهد که فرضیه صفر آزمون مبنی بر زائد بودن اثرات ثابت در هر دو گروه کشور برخوردار از درآمد سرانه پایین و بالا، در سطح معناداری ۵ درصد رد شده است.

جدول ۳- آزمون اثرات ثابت در خصوص گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

ارزش احتمال	درجه آزادی	مقدار آماره	نوع آزمون
۰,۰۰۰۰	(۲۴,۷۸۷)	۷۱,۸۷۹۱۳۸	اثرات مقطعی - آماره F
۰,۰۰۰۰	۲۴	۹۸۶,۵۴۸۹۴۴	اثرات مقطعی - آماره کای دو
۰,۰۰۰۰	(۳۳,۷۸۷)	۲,۵۸۸۴۴۵	اثرات زمانی - آماره F
۰,۰۰۰۰	۳۳	۸۷,۵۸۵۰۲۹	اثرات زمانی - آماره کای دو
۰,۰۰۰۰	(۵۷,۷۸۷)	۳۱,۷۲۴۰۶۸	اثرات مقطعی و زمانی - آماره F
۰,۰۰۰۰	۵۷	۱۰۱۴,۲۳۵۵۶۱	اثرات مقطعی و زمانی - کای دو

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۴- آزمون اثرات ثابت در خصوص گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا

ارزش احتمال	درجه آزادی	مقدار آماره	نوع آزمون
۰,۰۰۰۰	(۱۰,۳۲۴)	۲۳,۶۳۹۱۸۴	اثرات مقطعی - آماره F
۰,۰۰۰۰	۱۰	۲۰۴,۳۶۳۹۹۳	اثرات مقطعی - آماره کای دو
۰,۰۲۹۲	(۳۳,۳۲۴)	۱,۵۵۹۸۰۳	اثرات زمانی - آماره F
۰,۰۰۹۵	۳۳	۵۴,۹۹۶۷۴۷	اثرات زمانی - آماره کای دو
۰,۰۰۰۰	(۴۳,۳۲۴)	۶,۵۴۷۷۳۸	اثرات مقطعی و زمانی - آماره F
۰,۰۰۰۰	۴۳	۲۳۳,۲۷۳۵۱۱	اثرات مقطعی و زمانی - کای دو

منبع: محاسبات پژوهش

آزمون هاسمن

نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر آزمون هاسمن مبنی بر وجود اثرات تصادفی در تصریح رگرسیونی در هر دو گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا و پایین، در سطح معنی‌داری ۵ درصد، رد می‌شود.

جدول ۵- آزمون هاسمن در خصوص گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

نوع آزمون	آماره کای دو	درجه آزادی	ارزش احتمال
اثرات مقطعی	۱۳,۹۳۳۸۰۰	۵	۰,۰۱۶۰
اثرات زمانی	۳۷,۷۲۰۶۵۶	۵	۰,۰۰۰۰
اثرات مقطعی و زمانی	۱۸,۵۹۳۷۷۰	۵	۰,۰۰۲۳

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۶- آزمون هاسمن در خصوص گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

نوع آزمون	آماره کای دو	درجه آزادی	ارزش احتمال
اثرات مقطعی	۱۱,۸۰۹۸۶۳	۵	۰,۰۳۷۵
اثرات زمانی	۵۶,۰۰۱۳۸۸	۵	۰,۰۰۰۰
اثرات مقطعی و زمانی	۴۶,۷۱۳۲۷۷	۵	۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج برآورد تصریح الگو

نتایج برآورد پارامترهای رگرسیون گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین به روش حداقل مربعات معمولی در جدول و جدول ارائه شده است.

جدول ۷- نتایج برآورد پارامترهای رگرسیون گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

نوع آزمون	پارامتر برآورد شده	آماره t	ارزش احتمال
خانواده	۰,۰۰۹۴۷۶	۰,۰۰۵۶۰۰	۰,۰۹۱۰
امید به زندگی	۰,۵۲۱۲۳۲	۰,۰۲۳۵۳۸	۰,۰۰۰۰
نابرابری درآمدی	-۰,۰۲۸۶۰۶	۰,۰۱۴۸۴۰	۰,۰۵۴۳
درآمد سرانه	۰,۲۴۰۲۸۷	۰,۰۱۵۲۱۴	۰,۰۰۰۰
بیکاری	-۰,۱۰۵۷۵۹	۰,۰۳۳۲۲۱	۰,۰۰۱۵
ضریب ثابت	۰,۰۴۶۵۵۳	۰,۱۷۰۰۶۰	۰,۷۸۴۴

منبع: محاسبات پژوهش

ارزیابی مقایسه‌ای تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده ... ۲۱

جدول ۸- نتایج برآورد پارامترهای رگرسیون گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا

نوع آزمون	پارامتر برآورد شده	آماره t	ارزش احتمال
خانواده	۰,۴۵۲۳۵۷	۰,۱۵۸۰۹۶	۰,۰۰۴۵
امید به زندگی	۶۳,۱۶۳۵۷	۲۰,۸۴۸۷۲	۰,۰۰۲۶
نابرابری درآمدی	-۷۶,۴۰۷۰۸	۲۵,۲۸۱۷۸	۰,۰۰۲۷
درآمد سرانه	۱,۸۶۶۹۷۷	۰,۵۱۷۴۵۲	۰,۰۰۰۴
بیکاری	-۰,۶۵۳۷۴۹	۰,۱۳۷۷۷۳	۰,۰۰۰۰
ضریب ثابت	۷۳,۲۴۰۱۳	۲۴,۶۶۶۵۹	۰,۰۰۳۲

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج برآورد با تصحیح ناهمسانی در ماتریس واریانس-کوواریانس

در ادامه به منظور استحکام‌سنجی معناداری پارامترهای برآوردشده، ضرایب متغیرها با تصحیح ناهمسانی در ماتریس واریانس-کوواریانس به روش وایت (White) برآورد شده است. بدین منظور ابتدا ماتریس واریانس-کوواریانس اصلاح شده به روش White محاسبه شده است و در ادامه نتایج مربوط به برآورد ضرایب با در نظر گرفتن این ماتریس‌های واریانس-کوواریانس ارائه شده است. نتایج استحکام‌سنجی مبتنی بر تصحیح ناهمسانی در ماتریس واریانس-کوواریانس به روش وایت نشان می‌دهد که معناداری آماری ضرایب برآوردشده، از استحکام لازم برخوردار هستند.

جدول ۹- ماتریس واریانس-کوواریانس اصلاح شده به روش White مربوط به گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

	C1	C2	C3	C4	C5	C6
R1	۰,۰۰۰۱۱	-۰,۰۰۰۰۶	۰,۰۰۰۰۱	-۰,۰۰۰۰۲	۰,۰۰۰۰۴	۰,۰۰۰۰۲
R2	-۰,۰۰۰۱۹	-۰,۰۰۰۲۴	-۰,۰۰۰۰۱	-۰,۰۰۰۰۳	۰,۰۰۰۳۳	۰,۰۰۰۰۴
R3	-۰,۰۰۰۱۲	۰,۰۰۰۰۲	-۰,۰۰۰۰۳	۰,۰۰۰۱۲	-۰,۰۰۰۰۳	-۰,۰۰۰۰۲
R4	۰,۰۰۰۸۵	-۰,۰۰۰۱۳	۰,۰۰۰۱۷	-۰,۰۰۰۰۳	-۰,۰۰۰۰۱	۰,۰۰۰۰۱
R5	-۰,۰۰۱۹۵	۰,۰۰۰۶۱	-۰,۰۰۰۱۳	۰,۰۰۰۰۲	-۰,۰۰۰۲۴	-۰,۰۰۰۰۶
R6	۰,۰۰۱۰۶	-۰,۰۰۱۹۵	۰,۰۰۰۸۵	-۰,۰۰۰۱۲	-۰,۰۰۰۱۹	۰,۰۰۰۱۱

منبع: محاسبات پژوهش

۲۲ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۸

جدول ۱۰- ماتریس واریانس-کوواریانس اصلاح شده به روش *White* مربوط به گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا

	C1	C2	C3	C4	C5	C6
R1	۰,۱۵۹۲۸	-۰,۰۰۴۵۰	-۰,۰۰۲۱۲	-۰,۲۱۹۴۷	۰,۱۸۷۷۷	۰,۰۱۳۹۳
R2	۱۳۳,۷۷۸	-۰,۰۹۹۱۶	۰,۴۷۳۸۴	-۱۴۰,۲۶۴	۱۱۶,۰۴۰۲۷	۰,۱۸۷۷۷
R3	-۱۶۲,۷۲۵	۰,۱۱۹۰۷	-۰,۵۷۹۸۵	۱۶۹,۷۶۳۶۹	-۱۴۰,۲۶۴	-۰,۲۱۹۴۷
R4	۰,۴۴۱۶۲	-۰,۰۰۴۵۸	۰,۱۳۳۰۶	-۰,۵۷۹۸۵	۰,۴۷۳۸۴	-۰,۰۰۲۱۲
R5	-۰,۰۹۴۵۹	۰,۰۰۴۰۶	-۰,۰۰۴۵۸	۰,۱۱۹۰۷	-۰,۰۹۹۱۶	-۰,۰۰۴۵۰
R6	۱۵۹,۱۷۶۵۹	-۰,۰۹۴۵۹	۰,۴۴۱۶۲	-۱۶۲,۷۲۵	۱۳۳,۷۷۸۵۲	۰,۱۵۹۲۸

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۱۱- نتایج برآورد پارامترهای رگرسیون گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین (با تصحیح ناهمسانی در ماتریس واریانس-کوواریانس به روش وایت (*White*))

ارزش احتمال	آماره t	پارامتر برآورد شده	نوع آزمون
۰,۰۳۶۹	۰,۰۴۵۳۳	۰,۰۰۹۴۷۶	خانواده
۰,۰۰۰۰	۰,۰۱۸۲۱۰	۰,۵۲۱۲۳۲	امید به زندگی
۰,۰۰۹۹	۰,۰۱۱۰۶۳	-۰,۰۲۸۶۰۶	نابرابری درآمدی
۰,۰۰۰۰	۰,۰۱۲۸۲۶	۰,۲۴۰۲۸۷	درآمد سرانه
۰,۰۰۰۰	۰,۰۲۴۵۹۱	-۰,۱۰۵۷۵۹	بیکاری
۰,۶۵۱۴	۰,۱۰۲۹۹۴	۰,۰۴۶۵۵۳	ضریب ثابت

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۱۲- نتایج برآورد پارامترهای رگرسیون گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا (با تصحیح ناهمسانی در ماتریس واریانس-کوواریانس به روش وایت (*White*))

ارزش احتمال	آماره t	پارامتر برآورد شده	نوع آزمون
۰,۰۰۰۲	۰,۱۱۸۰۲۷	۰,۴۵۲۳۵۷	خانواده
۰,۰۰۰۰	۱۰,۷۷۲۲۰	۶۳,۱۶۳۵۷	امید به زندگی
۰,۰۰۰۰	۱۳,۰۲۹۳۴	-۷۶,۴۰۷۰۸	نابرابری درآمدی
۰,۰۰۰۰	۰,۳۶۴۷۶۹	۱,۸۶۶۹۷۷	درآمد سرانه
۰,۰۰۰۰	۰,۰۶۳۷۱۵	-۰,۶۵۳۷۴۹	بیکاری
۰,۰۰۰۰	۱۲,۶۱۶۵۲	۷۳,۲۴۰۱۳	ضریب ثابت

منبع: محاسبات پژوهش

آزمون وابستگی مقطعی فریدمن

با استفاده از آماره کای دو آزمون فریدمن^۱ (۱۹۳۷)، وابستگی مقطعی در هر دو گروه کشور مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در هیچ یک از دو گروه کشور، وابستگی مقطعی وجود ندارد و فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وابستگی مقطعی، در سطح معناداری ۵ درصد، رد نمی‌شود.

جدول ۱۳- نتایج آزمون وابستگی مقطعی فریدمن

نوع پانل	درجه آزادی	آماره آزمون	ارزش احتمال
گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین	۳۳	۲۳,۰۳۸۵۹	۰,۹۰۲۰
گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا	۳۳	۶,۶۶۵۰۸۸	۰,۹۹۹۹

منبع: محاسبات پژوهش

بنابراین می‌توان نتایج مربوط به آزمون ریشه واحد IPS را که با فرض عدم وابستگی مقطعی محاسبه شده و در جدول‌های ۱ و جدول ۲ ارائه شده‌اند را معتبر دانست.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج برآورد پارامترهای مربوط به متغیرهای پژوهش در دو گروه کشور برخوردار از سطوح درآمدی بالا و پایین نشان می‌دهد که متغیرهای بیکاری و نابرابری درآمدی تأثیر منفی و معناداری بر ادراک احساس شادمانی در گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین و بالا دارند؛ به نحوی که افزایش یک درصدی بیکاری و نابرابری درآمدی در گروه کشورهای با درآمد پایین، به ترتیب کاهش ۰/۱ درصدی و ۰/۰۲۸ درصدی در ادراک احساس شادمانی را به دنبال خواهد داشت که این ارقام در خصوص افزایش یک درصدی بیکاری و نابرابری درآمدی در گروه کشورهای با درآمد بالا، به ترتیب ۰/۶۵

1. Friedman Chi-square

درصد و ۷۶/۴ درصد خواهد بود. در مقابل افزایش یک درصدی در متغیرهای اهمیت‌دهی به خانواده، امید به زندگی و درآمد سرانه به ترتیب باعث افزایش ۰/۰۰۹ درصدی، ۰/۵۲ درصدی و ۰/۲۴ درصدی ادراک احساس شادمانی در گروه کشورهای با درآمد پایین می‌شود. همچنین یک درصد افزایش در متغیرهای اهمیت‌دهی به خانواده، امید به زندگی و درآمد سرانه در گروه کشورهای با درآمد بالا، افزایش ۰/۴۵ درصدی، ۶۳/۱۶ درصدی و ۱/۸۶ درصدی در ادراک احساس شادمانی را به همراه خواهد داشت.

اثرات مربوط به ویژگی‌های مشاهده نشده کشورها نیز که پس از برآورد ضرایب محاسبه شده است، در جدول ل ۱۴ و جدول ارائه شده است. این شاخص نشان‌دهنده میزان و نوع تاثیرگذاری ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نهادی و اقتصادی ویژه و منحصر به فردی است که به دلایل مختلف در طی سال‌های مورد مطالعه در یک کشور شکل گرفته‌اند.

جدول ۱۴- اثرات ثابت گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین

کشور	اثرات ثابت	کشور	اثرات ثابت	کشور	اثرات ثابت
تانزانیا	-۰,۳۸۵۹۱۶	تایلند	-۰,۰۹۸۵۷۵	پرو	۰,۱۰۶۸۸۵
دومینیک	-۰,۳۰۱۵۹۲	پاکستان	-۰,۰۸۴۰۲	اکوادور	۰,۱۲۴۲۲۱
مصر	-۰,۱۹۹۶۶۸	ارمنستان	-۰,۰۸۳۵۱۶	بلغارستان	۰,۱۹۴۶۹۵
شیلی	-۰,۱۹۵۴۶۳	مراکش	-۰,۰۴۳۴۶۶	برزیل	۰,۲۰۵۵۸۷
گواتمالا	-۰,۱۷۷۱۲۴	مکزیک	-۰,۰۳۹۶۰۲	گرجستان	۰,۳۲۴۳۶۳
آرژانتین	-۰,۱۶۶۰۶۱	کامبوج	۰,۰۳۸۸۲۳	اوکراین	۰,۴۰۸۶۷۷
اروگوئه	-۰,۱۶۱۹۲۸	بنگلادش	۰,۰۴۸۸۵۲	ونزوئلا	۰,۵۹۸۹۸۵
قزاقستان	-۰,۱۳۸۰۴۳	ویتنام	۰,۰۶۳۲۲۹		
اندونزی	-۰,۱۱۰۵	ایران	۰,۰۷۱۱۵۸		

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۱۵- اثرات ثابت گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا

کشور	اثرات ثابت	کشور	اثرات ثابت	کشور	اثرات ثابت
ژاپن	۰,۸۸۰۰۱۸	کره جنوبی	-۰,۱۵۱۹۷۶	قطر	۰,۳۳۳۷۶۸
روسیه	۰,۷۱۰۸۵۳	سوئد	-۰,۱۰۲۵۳۶	آلمان	۰,۹۳۶۷۲
هلند	۰,۴۱۹۴۴۲	آفریقای جنوبی	۰,۰۶۹۵۸۷	نیوزیلند	۰,۹۷۰۷۸۲
لهستان	۰,۲۱۲۴۰۳	ایالات متحده	۰,۱۶۶۳۷۱		

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج نشان می‌دهد که کشورهای گرجستان، اوکراین و ونزوئلا از گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین در کنار کشورهای قطر، آلمان و نیوزیلند در گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا، از بالاترین میزان اثرات ثابت مشاهده نشده برخوردارند. به عبارت دیگر، این کشورها از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نهادی و اقتصادی ویژه و منحصر به فردی برخوردارند که با وجود این که امکان ورود صریح آن‌ها به الگوهای رگرسیونی به عنوان یک متغیر وجود ندارد ولی بر روی سطح ادراک احساس شادمانی آن‌ها تأثیر مثبت و قابل توجهی دارد.

اما به منظور ارزیابی مقایسه تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی در دو گروه از کشورهای با درآمد سرانه پایین و بالا، از الگوی ارائه شده در پژوهش پاترونستر و همکاران^۱ (۱۹۹۸) استفاده شده است که بر مبنای آن لازم است آماره Z بر اساس رابطه ۱ محاسبه شود و پس از مقایسه مقدار آماره با مقادیر بحرانی جدول Z ، نسبت به رد یا عدم رد فرضیه صفر در رابطه ۲ قضاوت شود:

$$Z = \frac{\beta_i - \beta_j}{se(\beta_i - \beta_j)}, \quad se(\beta_i - \beta_j) = \sqrt{\frac{var(\beta_i)}{n_i} + \frac{var(\beta_j)}{n_j}} \quad (1)$$

$$\begin{cases} H_0: \beta_i = \beta_j \\ H_1: \beta_i \neq \beta_j \end{cases} \quad (2)$$

(

نتایج محاسبه آماره Z و مقایسه آن با جدول مقادیر بحرانی توزیع نرمال استاندارد در جدول ارائه شده است که نشان می‌دهد:

جدول ۱۶- مقایسه ضرایب مربوط به متغیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی

متغیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی	گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا (i)	گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین (j)
ضریب برآوردشده	$\beta_i = 0,452357$	$\beta_j = 0,09476$
واریانس ضریب برآوردشده	0,24994345	0,0003136
حجم نمونه	374	850
مقدار آماره Z	0,24747488	
ارزش احتمال آماره Z	0,9803	

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج نشان می‌دهد که تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی در کشورهای با درآمد سرانه پایین، تفاوت معناداری با تأثیر آن بر ادراک احساس شادمانی در کشورهای با درآمد سرانه بالا ندارد. این بدان معناست که درآمد سرانه با وجود تأثیر مثبت و معنی‌داری که در کشورهای با درآمد سرانه بالا و پایین بر سطح ادراک احساس شادمانی در هر دو گروه کشور دارد، ولی به عنوان کاتالیزوری برای تأثیر بیشتر اهمیت‌دهی به خانواده بر ادراک احساس شادمانی، قلمداد نمی‌شود.

به عبارت دیگر، بر اساس نتایج پژوهش، افزایش درآمد سرانه کشورها و ارتقاء کشور از جایگاه گروه کشورهای با درآمد سرانه پایین به کشورهای با درآمد سرانه بالا، نمی‌تواند راهکار و سیاست موثری برای تأثیرگذاری بیشتر اهمیت‌دهی به خانواده بر ادراک احساس شادمانی باشد. از این رو می‌توان گفت که تأثیر مثبت ارزش فرهنگی خانواده در زندگی بر ادراک احساس شادمانی، وابسته به ارتقاء سطح درآمد سرانه در یک کشور نیست. بنابراین این نتایج نشان‌دهنده تأثیر نهادی و ساختاری ارزش فرهنگی خانواده و خانواده‌محوری (بدون وابستگی مستقیم به سطح درآمد) بر میزان شادمانی در زندگی است.

این نتایج این دلالت رفاهی را ایجاد خواهد نمود که هر گونه تلاش برای افزایش سطح رفاه اجتماعی در کشورها از طریق ارتقاء و بهبود متغیرهای اقتصادی (مانند درآمد سرانه، نابرابری درآمدی و بیکاری) و افزایش امید به زندگی (از طریق بهبود امکانات بهداشتی)، باید با در نظر گرفتن نقش مؤثر خانواده و اهمیت‌دهی به تأثیرگذاری چندبعدی نهاد ارزشمند خانواده، صورت پذیرد. سطح درآمد سرانه کشورها، در صحت و سقم این دلالت رفاهی، تأثیرگذار نیست و در هر دو گروه کشور با درآمد سرانه بالا و پایین، لزوم این برنامه‌ریزی جامع و نگاه ویژه به خانواده وجود دارد.

این نکته جالب توجه نیز وجود دارد که اهمیت‌دهی به خانواده، در کشورهای با درآمد سرانه بالا نسبت به کشورهای با درآمد سرانه پایین، در ارتقاء سطح رفاه و بهبود رضایت از زندگی، از معناداری بیشتری برخوردار است. با این حال برخورداری از درآمد سرانه بالا به عنوان پیش‌شرط تأثیرگذاری نهاد خانواده بر سطح رفاه و بهبود رضایت از زندگی، به شمار نمی‌رود و این عامل نهادی بسیار مهم، فارغ از مباحث اقتصادی نیز می‌تواند نقش بسیار مهمی بر رفاه اجتماعی داشته باشد.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی شادی*، ترجمه: مسعود گوهری، جهاددانشگاهی، دانشگاه اصفهان.
- احدی، حسن و محسنی، نیکچهره. (۱۳۷۱)، *مفاهیم بنیادی روانشناسی نوجوانی و جوانی*، تهران: انتشارات بنیاد.
- براتی، فرید. (۱۳۸۸)، اثربخشی مداخلات روان‌شناسی مثبت‌گرا جهت افزایش نشاط، خشنودی از زندگی، معناداری زندگی و کاهش افسردگی، تدوین مدلی برای اقدام، *رساله دکتری*، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- پسندیده، عباس. (۱۳۹۲)، *الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- جعفری، محمد. (۱۳۹۵)، سنجش عوامل مؤثر بر شادمانی در کشورهای اسلامی، *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، سال یازدهم، شماره ۲۲: ۶۵-۸۴.
- حاجی زاده میمندی، مسعود و ترکان، رحمت اله، (۱۳۹۴)، بررسی میزان و عوامل فرهنگی-اجتماعی مرتبط با نشاط اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یزد)، *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری*، شماره ۱۶: ۵۹-۸۶.
- خورسندی، مرتضی و علی بابایی، نسترن، (۱۳۹۵)، بیکاری بدتر است یا تورم؟ مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۶۳: ۱-۲۴.
- دهقان، حسین؛ پوررضا کریم سرا، ناصر و مروت برزو، (۱۳۹۶)، تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی اجتماعی جوانان شهر تهران، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۳۶: ۱۲۳-۱۳۸.
- زارعی، امین و حسنی، کاظم. (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر خانواده بر رشد اجتماعی دانش آموزان «استان کرمانشاه»، *پژوهش‌های تربیت اسلامی*، شماره ۱: ۱۰۱-۱۴۰.
- سهراب زاده، مهران؛ سخایی، ایوب؛ امامعلی‌زاده، حسین و حسینی‌زاده، سید سعید. (۱۳۹۵)، سرمایه و شادی؛ پژوهشی در باب ارتباط میان سرمایه اجتماعی و فرهنگی با احساس شادی (مورد مطالعه: شهروندان شهرستان آران و بیدگل)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۲۸: ۱۱۷-۱۵۰.

ارزیابی مقایسه‌ای تأثیر اهمیت‌دهی به خانواده ... ۲۹

- شریفی دروازه، مریم، شریفی دروازه، مینو و شریفی دروازه، مرضیه. (۱۳۹۶)، بررسی عوامل مؤثر در کلاس شاد با تبیین شادی در دیدگاه اسلام و روان‌شناسی، *ماهنامه معرفت*، شماره ۲۴۱: ۷۵-۸۹.
- عباس زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ کوهی، کمال و علیپور، پروین. (۱۳۹۲)، انواع سرمایه‌ها و نقش آنها در تبیین شادکامی دانشجویان، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۵۱: ۲۱۵-۲۴۴.
- فکور، محمدباقر. (۱۳۹۶)، بررسی اثر نابرابری درآمدی بر رفاه ذهنی کشورهای در حال توسعه، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی*، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کارگر، سعید، ایمان، محمدتقی و عباسی شوازی، محمدتقی. (۱۳۹۶)، تبیین جامعه‌شناختی رابطه سبک زندگی و شادمانی اجتماعی (مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر جهرم)، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۷: ۲۹۵-۳۱۶.
- کار، آلان. (۱۳۸۵)، *روان‌شناسی مثبت*، ترجمه: حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات سخن.
- کزازی، نجم‌السادات. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با بهزیستی روانی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه پیام نور مرکز قم.
- مهدی زاده، شراره؛ گنجی، محمد و زارع غیاث آبادی، فاطمه. (۱۳۹۳)، مطالعه رابطه بین شادی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۲۶: ۸۵-۱۰۲.
- نصحی دهنوی، محمود؛ احمدی، سید احمد و عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۳)، رابطه بین میزان شادمانی و عوامل آموزشی دانش آموزان دبیرستانی، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، شماره ۱۹ و ۲۰: ۳۳-۵۵.
- نلسون، ریتاویکس و ایزرائل، آلن سی. (۱۳۷۵)، *اختلالات رفتاری کودکان*، ترجمه: محمدتقی منشی طوسی، انتشارات آستان قدس رضوی.

- Akaeda, N. (2018). *Social Contact with Family and Relatives and Happiness: Does the Association Vary with Defamilialization?*. European Sociological Review.
- Argyle, M. (2013). *The psychology of happiness*. Routledge.
- Blanchflower, D. G. (2007). International patterns of union membership. *British Journal of Industrial Relations*, 45(1), 1-28.

- Blanchflower, D. G., Bell, D. N., Montagnoli, A., & Moro, M. (2014). The Happiness Trade-off between Unemployment and Inflation *Journal of Money Credit and Banking*, 45(52), 117-141.
- Breitung, J. (2001). The local power of some unit root tests for panel data. In *Nonstationary panels, panel cointegration, and dynamic panels* (pp. 161-177). Emerald Group Publishing Limited.
- Cheng, H., Chen, C., Li, D., & Yu, H. (2017). The Mystery of Chinese People's Happiness. *Journal of Happiness Studies*, 1-20.
- Csikszentmihalyi, M., & Rathunde, K. (2014). Adolescent happiness and family interaction. In *Applications of Flow in Human Development and Education* (pp. 359-378). Springer, Dordrecht.
- Diener, E., Oishi, S., & Lucas, R. E. (2001). Personality, culture, and subjective well-being: Emotional and cognitive evaluations of life. *Annual review of psychology*, 54(1), 403-425.
- Eren, K. A., & Aşıcı, A. A. (2017). The determinants of happiness in Turkey: Evidence from city-level data. *Journal of Happiness Studies*, 18(3), 647-669.
- Esping-Andersen, G. (1990). The three worlds of welfare capitalism Princeton University Press. *Princeton NJ*.
- Friedman, M. (1937). The use of ranks to avoid the assumption of normality implicit in the analysis of variance. *Journal of the American statistical association*, 32(200), 675-701.
- Galati, D., Manzano, M., & Sotgiu, I. (2006). The subjective components of happiness and their attainment: A cross-cultural comparison between Italy and Cuba. *Social Science Information*, 45(4), 601-630.
- Im, K. S., Pesaran, M. H., & Shin, Y. (2003). Testing for unit roots in heterogeneous panels. *Journal of econometrics*, 115(1), 53-74.
- Kohler, H. P., Behrman, J. R., & Skytthe, A. (2005). Partner+ children=happiness? The effects of partnerships and fertility on well-being. *Population and development*, review, 31(3), 407-445.
- Lee, K. S., & Ono, H. (2012). Marriage, cohabitation, and happiness: A cross-national analysis of 27 countries. *Journal of Marriage and Family*, 74(5), 953-972.
- Louis, V. V., & Zhao, S. (2002). Effects of family structure, family SES, and adulthood experiences on life satisfaction. *Journal of Family Issues*, 23(8), 986-1005.

- Märtinson, V. K. (2007). Families in different contexts: a comparison of European, British, and US union formation and family patterns. *The family in the new millennium*, 1, 124-52.
- Nomaguchi, K. M., Milkie, M. A., & Bianchi, S. M. (2005). Time strains and psychological well-being: Do dual-earner mothers and fathers differ?. *Journal of Family Issues*, 26(6), 756-792.
- Paternoster, R., Brame, R., Mazerolle, P., & Piquero, A. (1998). Using the correct statistical test for the equality of regression coefficients. *Criminology*, 36(4), 859-866.
- Roux, S. (2017). The colour of family happiness: adoption and the racial distribution of children in contemporary France. *Social Anthropology*, 25(4), 509-524.
- Seligman, M. E. (2004). *Authentic happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting fulfillment*. Simon and Schuster.
- Senasu, K., & Singhapakdi, A. (2018). Quality-of-Life Determinants of Happiness in Thailand: the Moderating Roles of Mental and Moral Capacities. *Applied Research in Quality of Life*, 13(1), 59-87.
- Shaffer, D. R., & Kipp, K. (2013). *Developmental psychology: Childhood and adolescence*. Cengage Learning.
- Simon, R. W. (2008). The joys of parenthood, reconsidered. *Contexts*, 7(2), 40-45.
- Skinner, K. B., Bahr, S. J., Crane, D. R., & Call, V. R. (2002). Cohabitation, marriage, and remarriage: A comparison of relationship quality over time. *Journal of Family Issues*, 23(1), 74-90.
- Soons, J. P., & Kalmijin, M. (2009). Is marriage more than cohabitation? Well-being differences in 30 European countries. *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1141-1157.
- Stack, S., & Eshleman, J. R. (1998). Marital status and happiness: A 17-nation study. *Journal of Marriage and the Family*, 527-536.
- Umberson, D., Pudrovska, T., & Reczek, C. (2010). Parenthood, childlessness, and well-being: A life course perspective. *Journal of Marriage and Family*, 72(3), 612-629.
- Veenhoven, R. (1991). Is happiness relative? *Social indicators research*, 24(1), 1-34.
- Vela, J. C., Smith, W. D., Guerra, F., Hinojosa, K., Dell'aquila, Julia & Ortega, K. (2018). Understanding Humanistic and Family Predictors of Mexican

۳۲ فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال دهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۹۸

American College Students, Subjective Happiness. *The Journal of Humanistic Counseling*, 57(1), 51-69.

– Waite, L., & Gallagher, M. (2002). *The case for marriage: Why married people are happier, healthier and better off financially*. Broadway Books.